

یادداشت کارگری هفته

## با همه توش و توان خود، صدای کارگران هپکو و آذرآب را پژواک دهیم و از خواسته های طبقاتی آنان پشتیبانی کنیم!

امیر جواهری لنگرودی

[info@karegari.com](mailto:info@karegari.com)



باید با صدای بلند گفت : یک حکم روشن است ؛ همه تلاش سرکوب گران رژیم اسلامی،  
نتوانست جنبش مطالباتی را مرعوب و از تپش بازدارد !

روزشمار کارگری هفته طی ماه گذشته تا به امروز، نشان می دهد که تمامی خبرها و اعتراضات بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و زنان و خانواده های آنان و همه تحرکات روستائیان و مالباختگان، کارگران هپکو و آذرآب و غیره گویای این واقعیت است که محاکم قضایی و فشارها، بازداشت ها و بگیر و ببندها، احکام شلاق و تبعید نتوانسته نیروی رنج و کار جامعه و نیروهای مطالبه گر را از طرح مطالبات شان بازدارند. چرا که اعتراضات پیوسته و کوچک و بزرگ، در محیط کار ، در برابر وزارتخانه ها و سازمان برنامه ، ادارات آموزش و پرورش و تحرکات خیابانی در میدانی اصلی شهر، برای مطالبات پرداخت نشده و سایرخواسته ها جریان دارد. در این میان مبارزات و حضور زنان نقش برجسته و شگرفی در کنش های اجتماعی و حقوقی مزدبگیران دارند.

مشارکت وسیع در تجمعات اعتراضی، مقاومت در برابر سرکوب ها در زندان و در بیرون زندان، از عرصه های این نقش آفرینی ها است. گسترش فعالیت های زنان شرایط پیوند گسترده تر حوزه های مختلف مطالبه گری پائینی ها را بهبود می بخشد. مهم است در واری جنبش مطالباتی کشورمان، به امر گره خورده گی مبارزات زنان با جنبش کارگری بیش از پیش معطوف شویم.

جدای از اینکه در ایران سیاست سرکوب خشن به قصد ارباب جنبش مطالباتی، ابعاد گسترده تری به خود گرفته است، احضار تمامی کسانی که احکام تعلیقی داشته اند و ارسال نامه به ۴۱ تن از کارگران فولاد و احکام به شدت سنگین علیه دانشجویان و فعالان مدافع حقوق کارگران، نشان می دهد که رژیم بشدت هراسان و درمانده است و می خواهد فعالان جنبش مطالبه گر را بترساند و به حاشیه جامعه براند. به درستی باید گفت: این سیاست با چالش هایی در سطوح گوناگون روبرو شده است. نامه چهار تن از وکلا- نامه های شجاعانه محمد نجفی شاه زندی وکیل جسور از درون زندان مرکزی اراک و نامه جعفر عظیم زاده از نمونه های برجسته رویکرد ایستادگی و مقاومت است و واکنش خودی ها در درون نیروهای حکومتی، بطوری که دوازده تن از نمایندگان مجلس با ارسال نامه ای به ابراهیم رئیسی در باره اثربخش بودن چنین احکامی تردید جدی خود را بیان داشته اند. زهرا رهنورد از درون سلول خود، نامه ای در اعتراض به این احکام نوشته است. صادق زیباکلام نیز تردید جدی خود در باره اثربخش بودن و قانونی بودن این احکام را در نامه ای به رئیس قوه قضائیه اعلام داشته است. این نمونه ها نشان می دهند که سیاست ترساندن و وحشت آفرینی، ارکان نظام را با تردید و دلی روبرو ساخته است.

می توان گفت: هدف دستگاه قضایی از احکام سنگین و ظالمانه زنجیره ای برای بازداشت شده گان اول ماه مه، و صدور احکام حبس تعلیقی و شلاق زنی برای کارگران هفت تپه و زنان و دانشجویان بازداشتی، تنها مرعوب ساختن و بازدارندگی آنان است تا گرسنگان در خاموشی گرسنگی بکشند و مخصوصا حرکت های جمعی صورت ندهند. موج وسیع اعتراضات و حرکت جسورانه کارگران هپکو و آذراب نشان می دهد که این شیوه تاکنون نتیجه نداده است. فراخواندن پیامکی ۴۱ کارگر فولاد اهواز در ادامه این بازدارندگی است و نشان می دهد که حاکمیت از تنها دری ورود می کند که به رویش باز مانده و آن زندان و سرکوب و ارباب، با افزایش بازدارندگی و دربرابرشدت مقاومت موجود در برابر آن است.

اعتراضات بازنشستگان و معلمان بشکل سریالی و پس آنگاه به خیابان آمدن کارگران هپکو و آذراب اراک برای چندمین روز متوالی، بار دیگر حرکت شان نقطه امید آفرین دیگری برای جنبش کارگری کشور ما شمرده می شود. این حرکت، بویژه پس از سرکوب خشن اول ماه مه، می تواند نقطه عطف جدیدی در تحرک دوباره جنبش های مطالبه محور و ضداستبدادی باشد. در این حرکت کارگران در اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت شرکت و عدم دریافت حقوق های معوقه خود، در مقابل ساختمان استانداری مرکزی، دست به تجمع زدند. بدنبال اعتراضات دامنه دار کارگران کارخانه هپکو، پنج شنبه هفته گذشته (۷ شهریور) با سفر وزیر صنعت به استان مرکزی مشکلات سه شرکت بزرگ

هپکو، آذرآب و واگن پارس بررسی شد و در آن جلسه با پیشنهاد و آگذاری آذرآب و هپکو به شرکت مپنا اعلام موافقت شد و قرار شد در همین رابطه جلسه ای در تهران برگزار شود.

پرسنل شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو ضمن ابراز نگرانی از اینگونه سیاست گذاری ها و کمکاری سهامدار و مدیریتی که سازمان خصوصی سازی برای این واحد تولیدی انتخاب کرده، نوشتند: «میزان تولیدات هپکو دیگر پاسخگوی حقوق و هزینه های شرکت نیست. در سال ۹۷ تنها ۴۸ دستگاه در هپکوی اراک به تولید رسیده و بخش عمده ای از حقوق پرسنل از طریق استقراض از بانک تأمین شده است و اکنون پس از گذشت ۵ ماه از سال جدید هیچ دستگاهی در هپکو تولید نشده است». کارگران هپکو طی بیانیه ای در واکنش به دستور رئیس دولت حسن روحانی اعلام داشتند: « پرسنل شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو بیم آن دارند، دستور اخیر رئیس جمهوری نیز سرنوشت دستور پیشین را پیدا کند.» و در ادامه این بیانیه آورده اند « مشکلات مدیریتی در هپکو به گونه ای است که پرسنل طی دو ماه اول امسال بخشی از حقوق خود را دریافت کرده اند و حقوق ماه های تیر و مرداد به کلی پرداخت نشده است. در واقع فقط حقوق خرداد ماه به طور کامل به کارگران پرداخت شده است.» جدا از این کارگران از سال های ۹۵، ۹۶ و ۹۷ نیز معوقات دستمزدی دارند که مجموعاً به حدود ۳ میلیارد تومان می رسد. این در حالی است که طی این مدت مرخصی اجباری نیز به کارگران تحمیل شده و این مسئله کاسه صبرمان را لبریز کرده است. کارگران هپکو می گویند: « ما پرسنل هپکو در گذشته نیز نسبت خصوصی سازی هپکو و مشکلات تولید اعتراضاتی داشته ایم اما پس از گذشت دو سال هنوز هیچ فکری برای مشکلات این کارخانه نشده است؛ لذا از مسئولان می خواهیم به جای دادن وعده اقدامات اساسی در راستای نجات هپکو انجام دهند.»

برپایه این مجموعه کاستی ها کارگران تصمیم گرفتند برای رساندن صدای اعتراضشان، اجتماع صنفی و مطالباتی خود را از محل کارخانه به مقابل ساختمان استانداری در شهر اراک

#### انتقال

بدنبال کارگران هپکو، کارگران کارخانه آذر آب روز سه شنبه ۱۲ شهریور، برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به راهپیمایی و تجمع در شهر اراک زدند. گزارشات منتشره بیانگر این است که روز دوشنبه ۱۱ شهریور، جلسه ای در محل وزارت صنعت - معادن و تجارت (صمت) با حضور وزیر صمت، سرپرست سازمان خصوصی سازی، رئیس سازمان گسترش و صنایع ایران، مدیران عامل بانک ملی و کشاورزی، مدیران مپنا، مدیر قرارگاه خاتم الانبیا، معاونان وزارت اقتصاد، نیرو و تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس کل دادگستری استان در تهران، نمایندگان مجلس از اراک، مسئولین طراز اول استان مرکزی و ... تشکیل شد تا بتوانند آتش زیر خاکستر را بخوابانند و نگذارند به مانند هفته تپه و فولاد اهواز این آتش شعله ور شود.

کارگران کارخانه آذرآب علیرغم مخالفت و کارشکنی های شورای اسلامی کار و دخالتگری عوامل استانداری با راهپیمایی از کارخانه تا مرکز شهر اراک و تجمع در میدان اصلی شهر و پهن کردن سفره خالی اعتراضشان را نسبت به عدم اتخاذ تصمیم نهایی در

جلسه عصر روز گذشته (۱ شهریور) با وزیر صمت و عدم تعیین تکلیف با سهامدار عمده شرکت، ادامه بی ثباتی شغلی و ناروشتی در پرداخت دو ماه ونیم حقوق بنمایش گذاشتند. قابل توجه است که ۳۲ درصد از سهام شرکت آذرآب متعلق به بانک کشاورزی و مابقی در اختیار سهامداران خصوصی می باشد.

شعارهایی مثل «عزا عزا است امروز، حاصل عمر کارگر؛ زیر عباست امروز» که کارگران آذرآب سرداده اند، به خوبی نشان می دهد که مزد و حقوق بگیران دقیقاً خصم طبقاتی خود را می شناسند و با آگاهی از منافع خویش، هر دو جناح حاکمیت را نشانه گرفته اند. و از فرصت محرم به این منظور بهره گرفته اند. از ۹۶ به این سو، جای پای این آگاهی در بسیاری از اعتراضات خود را نشان داده است.

در طی همین هفته با اعتراضاتی در رابطه با نبود آب آشامیدنی روبرو بوده ایم که با بستن جاده همراه بوده است. همچنین کارگران شهرداری کوت عبدالله در اهواز که هشت ماه حقوق نگرفته اند، ماشین فاضلاب روب شهرداری را در برابر ساختمان آن خالی کردند و یا کوبیدن به میله های درب آهنی معلمان معترض لرستان در این هفته و ... ، تماما ویژگی نافرمانی مدنی کارگری است که برخلاف تبلیغات رژیم هدایت شده از خارج نیست بلکه برآمده از جنبش پُرتپش و ابتکار خلاق خود پائینی هاست.

درباره تحرک دورجدید کارگران هپکو، اعتراضات کارگران آذر آب و فراخواندن کارگران فولاد اهواز به دادگاه و محاکمه آنان توجه به نکات زیر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

- اعتراضات کارگران هپکو و آذرآب، از این ظرفیت برخوردار است که نظیر اعتراضات کارگران هفت تپه و فولاد اهواز در سال ۹۷ به یک جنگ سنگر به سنگر و گام به گام طبقاتی دیگر فرا روید. یعنی این اعتراضات به کانون اصلی صف آراییی های طبقاتی مقطعی نیروهای کارگری و دیگر لایه های اجتماعی و حامیان جنبش کارگری، هم سرنوشتان این جنبش در یک سو و کل حاکمیت در سوی دیگر منجر شود. چرا که هم سویی ها و هم جهتی های آنچه در هفت تپه و فولاد شاهد بودیم به عینه در تحرک دور جدی دو صنعت هپکو و آذر آب، بازتاب خود را نمایانده است.

بطوری که هم دلیل شروع اعتراضات (یعنی عدم دریافت حقوق های پرداخت نشده)، هم شعار رودررویی با سیاست خصوصی سازی، هم اعلام همبستگی کارگری (نظیر شعار «زنده باد هپکو» که کارگران آذرآب سردادند)، هم برون آمدن از محیط کارخانه با راه پیمایی خیابان و گشوده سفر خالی در مرکزی ترین میدان شهر اراک، خود نمایانگر عناصر مشترک این مبارزه، با حرکت سال گذشته هفت تپه و فولاد اهواز است.

چنانچه حرکت امروز در شکل های نوتری ادامه یابد، باید انتظار داشت که کارگران این دو واحد صنعتی (هپکو-آذرآب)، با اتکا به تجربه های ارزشمند مبارزات کارگران هفت تپه و فولاد و شعار محوری آنان (نان- کار- آزادی؛ اداره شورایی) می توانند با هوشیاری از ترفند حکومتیان برای ایجاد دو دستگی میان شان، جلوگیری کرده و همه ترفند های آنان

را درهم بشکنند و مانع پیشروی نیروهای شبه کارگری مانند خانه کارگر - شورا های اسلامی کار - بسیج کارگری در میان خود شوند .

- به یاد بیاوریم که نیروی میلیونی بازنشستگان امروز که همان کارگران سالخورده و رنج دیده دیروزاند، دیدیم که چگونه در عرصه مبارزه خیابانی خویش برای طرح مطالبات بی پاسخ مانده شان ، در فردای نمایش سناریوی "طراحی سوخته" در دفاع از فرزندان و همزمان خویش فریاد برآوردند: " شکنجه، مستند ، دیگر اثر ندارد". چنین تجربه پُربهایی دراستمرار مبارزه امروز کارگران هپکو و آذراب، پرچم افراشته حرکت های آتی است و یادمان نرود که صدور احکام زنجیره امروز از سوی رژیم ، تنها و تنها برای به کُتر راه بودن و مرعوب ساختن جوهر این مبارزه سترگ است.

همه ما شاهد شکاف انداختن کارگزاران حکومت، در میان صف متشکل کارگران در جریان اعتراضات هفت تپه و فولاد اهواز بوده ایم ، بطوری که یکایک آنان با پشتیبانی نیروهای امنیتی برای ایجاد تفرقه میان فعالان و سازمانگران مستقل، از هیچ کوششی برای درهم شکستن مقاومت و همبستگی کارگران ، فروگذار نکردند و لحظه ای کوتاه نیامدند . هرچند که در این اقدام خود ، چونان همیشه، جز ناکامی نصیبی نبردند. از این روی هوشیاری نسبت به اقدام های مشابه در دوره اخیر مبارزات سازمانگران هپکو و آذراب از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

درست در چنین شرایطی دستگاه قضایی و امنیتی حاکمیت ضد کارگری این بار برای خفه کردن سریع حرکت و جلوگیری تبدیل آن به کانون تازه یک نبرد شتابان طبقاتی به سرعت به صدور حکم های جنون آمیز روی آوردند تا جنبش را از تب و تاب و از نفس بیاندازند .

در برابر چنین قساوت و وحشت آفرینی رژیم جهل و جنون و جنایت، در دل کارگران و خانواده های آنان و تمامیت جنبش آزادیخواهی کشور، وظیفه ما همه رهروان راه آزادی و برابری ، دمکراسی و سوسیالیسم است که با همراهی ، همدلی و همپوشانی، همگامی با کارگران ، پرچم بی قید و شرط از آنان را امر اصلی مبارزه خویش بدل سازیم . بنابراین برای شتاب دادن به این حمایت ها، اصلی ترین وظیفه پیش روی ما و همه فعالان کارگری در شرایط کنونی ، ایجاد کمپین ها و سازوکارهای جهانی در راستای همبستگی با کارگران ایران و جنبش آزادیخواهی آن ، معنا می یابد!

- بر فراز آنچه که یادآور شدیم، ما بر این باوریم که ؛ مبارزات دوره اخیر و نبرد سنگر به سنگر اردوی کار و سرمایه هرگز فروکش نکرده و رژیم دائما خاکریزهای دفاعی خود را در مقابل این مبارزه نابرابر و توفنده از دست می دهد. گفتنی ایست در این نبرد نابرابر، جنبش فراز و فرود های فراوان و پیدا و ناپیدایی داشته اما خاموشی ندارد .

جمعه ۱۵ شهریور ۱۳۹۸ برابر با ۰۶ سپتامبر ۲۰۱۹

<http://karegari.com/>